

تحلیلی بر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

جایگاه ایران در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور

دکتر سید نصرالله ابراهیمی



اصولاً تهیه چشم‌اندازهای بلندمدت در کشورها موضوعی است که در سالهای اخیر توجه دولتمردان اکثر کشورها را به خود جلب کرده است. خوشبختانه مراجع ذیصلاح جمهوری اسلامی ایران با توجه به عواملی همچون ضرورت‌ها و الزام‌های ناشی از آرمان‌های قانون اساسی، تحولات بین‌المللی و حاکمیت فضای نوین اقتصادی در جهان، تحولات علمی و فناوری‌های نو، نظریات علمی، شناخت امکانات و محدودیت‌های محیطی، بهره‌گیری از تجارب خود و دیگران و همچنین واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود کشور، سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

بر اساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران بایستی الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نوآندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی (ره) باشد.

بنابراین تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی طی ۲۰ سال آینده جایگاه ویژه‌ای در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. جایگاه ایدئولوژیک و ژئوکالچر ایران در جهان اسلام، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در جامعه بین‌الملل و جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه و جامعه بین‌المللی مهمترین عناوین این مقاله می‌باشد.

(۲۰۲۵ میلادی) را برگزیده‌اند تا کشور ایران در طی ۲۰ سال برنامه‌ریزی و اجرای درست، به کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آفریق ۱۴۰۴ هجری شمسی، بر اساس مطالعات جامع کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت‌گیری‌های مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای مختلف ابلاغ و از ابتدای سال ۱۳۸۴ عمل مبنای قانون‌گذاری کشور و تصمیمات کلان نظام و سیاست دولت شده است.

بدیهی است سند چشم‌انداز مصوب ۲۰ ساله کشور، نه تنها نوعی انسجام و یکپارچگی در عزم و اراده ملی در میان مسئولان و نخبگان کشور به وجود آورده و آثار و پیامدهای مثبتی چون الهام‌بخشی و پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه به دنبال خواهد داشت، بلکه از تکرار تجربه جلوگیری نموده، به پیشرفت همه‌جانبه و رو به جلوی کشور شتاب می‌بخشد، به بهینه‌سازی فرصت‌ها پرداخته و چالش‌های احتمالی را به فرصت تبدیل می‌کند.

اگر چه تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، گامی بسیار مهم و ارزنده در شفاف‌سازی مسیر طولانی مدت پیشرفت همه‌جانبه و جهت‌دار کشور است، اما دغدغه‌های جدی سند چشم‌انداز، تعیین الزامات و مقدمات اجرایی آن، برنامه‌ریزی صحیح برای تحقق اهداف آن، رفع شکاف موجود میان امکانات اجرایی و اهداف درازمدت آن، یافتن روش‌های مشارکت فعال همه‌بخش‌های کشور در راستای تحقق اهداف آن و بالاخره چگونگی استفاده از فرصت‌ها و مواجهه با چالش‌هایی است

که در برنامه‌ریزی و اجرای آن به وجود می‌آید.

نویسنده در این نوشتار، درصدد تبیین اصول و اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران در قلمرو داخلی نیست، بلکه آن جهاتی را بحث می‌کند که در استقرار جریان رشد و توسعه

پایدار و کم‌کردن فاصله کشور با کشورهای نوظهور صنعتی و ارتقای موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای مؤثر است؛ به گونه‌ای که ایران تا آفاق چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی، جایگاه اول خود را در منطقه به دست آورد.

نویسنده در مقام تحلیل از جایگاه ایران در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی در آفریق ۱۴۰۴ هجری شمسی، در ابتدا ضمن بحث از تقابل انقلاب اسلامی ایران با نظام تک‌قطبی و تبیین جایگاه ایدئولوژیک و ژئوکالچر ایران در جهان اسلام، نحوه تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در جهان اسلام را مورد کنکاش قرار می‌دهد. آنگاه پس از بررسی جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی به‌ویژه خاورمیانه و دریای خزر، چالش‌های جدی که ایران در این منطقه با آن مواجه است و چگونگی تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی را بررسی می‌کند.

نظر به اهمیت جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در جامعه بین‌المللی و شناخت محیط جامعه بین‌المللی بخصوص موضوع جهانی شدن و فضای حاکم بر آن، در این نوشتار نحوه تعامل ایران با جامعه بین‌المللی را بررسی شده و چگونگی تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی تبیین می‌شود و پس از بحث درباره جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه و جامعه بین‌المللی، موضوع جهانی شدن اقتصاد و تعامل ایران با اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی، چالش‌های اقتصادی ایران در منطقه و جامعه بین‌المللی بیان خواهد شد و نحوه تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ژئواکونومیک ایران در جامعه بین‌المللی را تبیین می‌شود.

این مقاله تلاش می‌کند عوامل و راهکارهایی که جمهوری اسلامی ایران را برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و حفظ جایگاه خود در جهان اسلام و تعامل بین‌المللی هدایت کند را شناسایی و پیشنهاد کند.

جایگاه ایدئولوژیک و ژئوکالچر (فرهنگی) ایران در جهان اسلام

الف - جایگاه انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام

از نظر فرهنگی و اعتقادی، ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار گرفته است؛ به طوری که در روند تحولات آینده جهان می‌تواند با بعضی از کشورهای منطقه نقش ارزنده‌ای را ایفا کند.

گسترده‌گی تمدن ایرانی - اسلامی و فرهنگ پارسی و میراث گرانبهای آن و گذشته تاریخی درخشان این سرزمین، پیوند عمیق فرهنگی، فکری و جغرافیایی با کشورهای پیرامون خود دارد و میان اقوام مختلف ساکن در قفقاز، آسیای میانه، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی یعنی عراق و ترکیه تا شاخ آفریقامنطقه‌ای استراتژیک را به وجود آورده که نشان دهنده امکانات بالقوه و بالفعل برای گسترش همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه منطقه‌ای و جهانی می‌باشد.

داشتن تاریخ و تمدنی کهن، با غنای فرهنگ اسلامی و دینی و وجود آثار تاریخی مناسب فرهنگی و دینی در کشور و قابلیت صدور کالاهای فرهنگی و دینی به فراسوی مرزها در جهان اسلام، به جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای برای نفوذ فرهنگی - تمدنی (ایرانی - اسلامی) در جهان اسلام می‌بخشد.

سند چشم‌انداز مصوب

۲۰ ساله کشور پیامدهای

مثبتی چون الهام‌بخشی

و پاسخگویی به نیازهای

اساسی جامعه به دنبال

خواهد داشت و از تکرار

تجربه جلوگیری می‌نماید.

ب - تقابل انقلاب اسلامی ایران با نظام تک‌قطبی

بخش قابل توجهی از موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در



جامعه بین‌المللی متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ است. شعارها، اهداف و آرمان‌هایی که همراه با انقلاب اسلامی در ایران مطرح گردید، هم در سطح منطقه و هم در سطح بین‌المللی، تأثیرات غیر قابل انکاری بر جای گذاشت و به دنبال خود، جایگاه جمهوری اسلامی ایران را نیز در سطح ژئوکالچر متحول ساخت.

انقلاب اسلامی ایران پیش از آن که یک کوشش مردمی برای متحول ساختن وضعیت داخلی در یک واحد ملی باشد، حاوی پیام‌هایی در مقابله با وضعیت زور و تزویر موجود جهانی بود. این پیام‌ها نه تنها وضع موجود را زیر سؤال می‌برد، بلکه ماهیت آن را نیز غیر اخلاقی و مستحق دگرگونی می‌دانست. در واقع از لحاظ تاریخی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نه تنها توانست به عنوان جریان مستقل و مخالف با جریان سیستمی (هژمونی) در مقطعی از زمان و در اوج نهادینگی نظام دو قطبی حاکم، کارکرد جبر سیستمی را زیر سؤال ببرد، بلکه نمونه‌ای استثنایی از ستیزه‌گری یک بازی‌گر میانی در مقابل قدرت‌های هژمونی حاکم بر سرنوشت جهان به‌ویژه پس از طرح نظم نوین جهانی توسط ایالات متحده آمریکا می‌باشد. توضیح آن که انقلاب اسلامی ایران در فضای در حال انجماد دو قطبی سخن تازه‌ای را مطرح ساخت که منطقاً راه‌های متفاوت ایدئولوژی‌های دوگانه سوسیالیسم و لیبرالیسم، به سوی هدف مشترک بهشت زمینی را نفی می‌کرد و مدعی بود که بهشت زمینی تنها از راه دنبال کردن مسیر بهشت آسمانی قابل دسترسی است. این پیام انقلاب اسلامی ایران در دنیای پس از جنگ سرد که لیبرالیسم ایدئولوژی مسلط نظام یکپارچه بین‌المللی را تشکیل می‌داد، به صرف همین دلیل، ضد نظام حاکم جهانی تلقی شد.

قدرت هژمونی جهانی که بر اساس دیدگاه خود به دنبال تک‌قطبی کردن است و در حال حاضر اسلام را به عنوان تنها رقیب واقعی خود می‌بیند، در یک هجمه نابرابر سیاسی - فرهنگی، اسلامی‌گرایی را مترادف با تروریسم دینی تئوری پردازی کرده و با وارد کردن مفهوم تروریسم دینی به متون و ادبیات سیاسی جهانی، به دنبال شکل دادن اجماع جهانی برای انزوای همه جانبه مسلمانان و کشورهای اسلامی است. بدون شک تشکیل و هدایت شبکه‌های انحرافی مانند القاعده و یا کنترل رفتار گروه‌ها و افرادی که در قالب تعاریف و معیارهای نظام بین‌المللی تروریست خوانده می‌شوند، در حال حاضر واقعیتی غیر قابل انکار و در عین حال تأثیر گذار بر جهان اسلام است. جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌های ساختاری، هنگامی از حیات تثبیت شده‌ای برخوردار می‌گردد که بتواند به عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف شده منطقه‌ای و نظام بین‌المللی به بازی خود استمرار و استحکام بخشد. بدیهی است هرگونه تأثیر گذاری در منطقه و یا افزایش حوزه نفوذ مستمر خود در جهان اسلام، نظام تک‌قطبی جهان حال حاضر را به چالش جدی وادار می‌کند.

کاهش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ممانعت از الگوگیری دیگر ملت‌ها از جمهوری اسلامی ایران و فشار مضاعف بر جریانات ناب‌شععی، آسیب‌پذیری هویت ملی ایران و عدم تعریف درست از هویت ایرانی - اسلامی، تبلیغ در جهت جایگزینی الگوهای مخرب بیگانه به جای اسلامی و ملی و در نهایت ترویج تفکرات غربی که سبب تخریب بنیان‌های اعتقادی و نظام سیاسی می‌شود از جمله چالش‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران در حفظ و ارتقای جایگاه خود در جهان اسلام با آن مواجه است.

تأثیر گذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (قدس سره) باشد. بر این اساس:

* پیشگامی جمهوری اسلامی ایران در طرح الگوی حکومتی مبتنی بر اسلام، تعهدات و الزاماتی را برای این کشور در قبال مسائل و مشکلات مربوط به جهان اسلام ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اصول و اهداف انقلاب اسلامی و نقش تعیین کننده‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در میان کشورهای مسلمان یافته است، نمی‌تواند نسبت به مسائل جهان اسلام بی‌توجه باشد.

* تلاش برای اتحاد و همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، به‌ویژه ملت فلسطین، از اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد. البته اگر چه ممکن است با حمایت از مردم مظلوم فلسطین، برچسب مخالفت با نظم نوین جهانی، به خصوص ایالات متحده امریکا بر پیشانی نظام اسلامی ایران بخورد، اما باید توجه داشت که موضوع حمایت از مردم مظلوم فلسطین، یکی از مهمترین مسائل حال حاضر جهان اسلام بوده و مخالفت با آن، نادیده گرفتن اهداف انقلاب اسلامی و تعهدات جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل و مشکلات جهان اسلام تلقی می‌شود.

* بنا نهادن جامعه‌ای که سیاست خارجی آن بر اساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از همه مستضعفان جهان، نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری،

پیشگامی جمهوری اسلامی

ایران در طرح الگوی

حکومتی مبتنی بر اسلام،

تعهدات و الزاماتی را برای

این کشور در قبال مسائل

و مشکلات مربوط به جهان

اسلام ایجاد کرده است.

افق ۱۴۰۴ می‌باشد.

ج - تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در جهان اسلام

بر اساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران باید الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی،

* تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و معرفی فرهنگ غنی و هنر تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی و همچنین بنا نهادن جامعه‌ای که سیاست کلی آن بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام استوار گردد، نیازمند به درک صحیح و متعارف از مقتضیات جهان اسلام و ظرفیت و نیازهای جامعه مسلمانان و برنامه‌ریزی درست و مناسب برای استفاده از فرصت‌های موجود و مواجهه با چالش‌های احتمالی است.

در پایان، حفظ هویت اسلامی و ملی که الهام بخش جهان اسلام حسب چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ می‌باشد، از موضوعاتی است که در کنار جهانی شدن بایستی مورد ملاحظه جدی قرار گیرد. سه عنصر اساسی هویت اسلامی و ملی، جهانی‌شدن و سیاست خارجی به عنوان سه جزء جدایی‌ناپذیر بایستی به گونه‌ای مدیریت گردند که جمهوری اسلامی ایران را به مقاصد خود در تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز هدایت کند.

علی‌رغم این‌که نه شرقی و نه غربی جز اصول بنیادین سیاست مستقل خارجی ایران پس از انقلاب بوده و هست، جریان‌های بین‌المللی از جمله جهانی‌شدن، ممکن است آن را در برابر چالش‌های مهمی قرار دهد، در هر حال، در تعامل با جهان اسلام، لازم است

استراتژی و سیاست فرهنگی مناسب، از میان بردن بی‌تفاوتی مردم و تقویت روح مشارکت عمومی، تقویت باورها و ارزش‌های اصیل ملی و اسلامی (از طریق عمل به آنان) اتخاذ شود.

جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه

الف - جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی

جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران ۲۰ ساله می‌باشد قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره (افغانستان و پاکستان) است.

قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا (محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان) و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد، کشور عزیز ما را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی قرار می‌دهد. در ذیل به برخی از جنبه‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، و ژئواکونومیک ایران در منطقه می‌پردازیم:

* حساسیت‌های امنیتی - سیاسی حاکم بر منطقه، به‌ویژه نزدیکی جغرافیایی ایران به اسرائیل غاصب که امنیت آن به لحاظ استراتژیکی برای امریکا از اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک، جمعیت کمی و کیفی سرزمینی، منابع سرشار انرژی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه ایران، کشور عزیز ما را مرکز ثقل اهرم سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ قرار داده است، به حدی است که حتی بی‌طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برای قدرت‌های بزرگ رضایت بخش و قانع کننده نباشد.

بر این اساس و با توجه به این که ایران در این منطقه حساس جهانی دارای نقش و موقعیت حساسی است که امریکا در عرصه سیاست‌های استراتژیکی خود در قبال خاورمیانه نمی‌تواند آن را مد نظر قرار ندهد، رفتار امریکا با جمهوری اسلامی ایران و قراردادان ایران در محور شرارت از یک طرف و انتقال خط مہار ایران توسط امریکا از البرز به منتهی‌الیه زاگرس و در نهایت تکمیل محاصره ایران از جهات شمال و جنوب و قرار دادن ایران در حلقه انگشتری (Road Ring) متحدان خود، بسیار قابل ملاحظه و تأمل است.

* به دلیل ضعف ساختار اقتصادی کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و عدم توانایی لازم برای همراهی با فرایند جهانی شدن، سرمایه‌گذاری ایران در این منطقه موجب تأمین منافع ملی این کشور خواهد شد. به نظر نمی‌رسد که توسعه یافتگی در ۵ حوزه پیش گفته بدون حضور ایران به آسانی ممکن باشد. بنابراین، ایران باید آن قدر پیشرفت داشته باشد که امنیت، صلح و توسعه را در درون خود و منطقه پیاده کند.

* پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن مرکزیت سیاست خارجی امریکا در بلوک شرق، موضوعاتی مانند بروز شکاف میان امریکا و شرکای استراتژیکی آن، رویکرد مخالفت جویانه چین، ناتوانی امریکا از کنترل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، گرایش روسیه به اقتدارگرایی، تقلیل جایگاه بی‌همتای اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی و همچنین ناتوانی امریکا از ارتقای آزادی، همگی باعث شده است که امریکا در سیاست خارجی خود تجدید نظر کرده و منافع خود را در تعیین اولویت‌های سیاسی خارجی جدید به منطقه آسیای جنوب غربی به‌ویژه

کشور ایران متمرکز کند. سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت امریکا در سال‌های اخیر حتی به بهای از دست دادن اعتبار و وجهه بین‌المللی و حقوق بشری خود در تجاوزات اشغالگرایانه به عراق و افغانستان و قلع و قمع مبارزان فلسطینی با دست‌ان رژییم سرسپرده و نامشروع اسرائیل، بدان جهت صورت می‌پذیرد که ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک بالایی است که با توجه جدی به منطقه می‌تواند در نهایت جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا بخشیده و به عنوان یک قدرت رقیب و یا حداقل یک مزاحم جدی برای ایالات متحده امریکا تبدیل گردد.

هویت اسلامی و ملی، جهانی‌شدن و سیاست خارجی به عنوان سه جزء جدایی‌ناپذیر بایستی به گونه‌ای مدیریت گردند که جمهوری اسلامی ایران را به مقاصد خود در تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز هدایت کند.

* بر خلاف دوران جنگ سرد که بنیان قلمروهای ژئواستراتژیک بر اساس توان نظامی و جغرافیایی و ایدئولوژیک بنا شده بود، پس از پایان جنگ سرد به دلایل فراوان از جمله هزینه بسیار بالای تسلیحات نظامی، مسائل نظامی و ایدئولوژیک اهمیت خود را در تعیین اهمیت مناطق ژئواستراتژیک از دست داد و عوامل انسانی و اقتصادی جایگزین آن شد. نظر به این که ملاک قدرت در قرن بیست و یکم میلادی توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی است، خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن این توانمندی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود. طبیعی است ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای منطقه، در قرن بیست و یکم از لحاظ راهبردی و اقتصادی، از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

در هر حال، بدیهی است دستیابی به جایگاه هژمونیک و ایفای نقش مؤثرتر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. امریکا به عنوان ابرقدرت جهان در تلاش است تا از طریق به کارگیری دیپلماسی قهرآمیز، ایران را در چارچوب ساختارها و نهادهای بین‌المللی مجبور به پذیرش هنجارهای هژمونیک کند و این کشور را از دستیابی به جایگاه هژمونیک در منطقه بازدارد. به دلیل ماهیت نظام ایران، جهت‌گیری سیاست خارجی، موقعیت جغرافیایی حساس و اهمیت استراتژیک و ژئواستراتژیک منطقه خاورمیانه، نظام بین‌الملل محافظه‌کار - اعم از هژمونیک و چندقطبی - محدودیت‌های ساختاری شدیدی را برای دستیابی این کشور به موقعیت هژمونیک منطقه‌ای تحمیل خواهد کرد و این امر یکی از چالش‌های عمده‌ای است که جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ با آن روبه‌رو است.

ب - جایگاه ویژه انرژی ایران در منطقه خاورمیانه و دریای خزر

وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته به انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک طرف و قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده از طرف دیگر، موقعیت جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن، منحصر به فرد می‌کند.

کشور ایران با دارا بودن بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۲۷ تریلیون مترمکعب گاز و با محاسبه ارزش ذخایر هیدروکربوری کشور در حدود ۳ هزار میلیارد دلار و برخوردار بودن برکات الهی برای بیش از یکصد سال آینده، آن هم در حالی که هنوز در پهنه گسترده‌ای از ایران زمین (یعنی ۸۰٪) عملیات اکتشافی صورت نگرفته است، دارای نعمت‌های سرشار الهی در منطقه و جهان است و در صورتی که منابع هیدروکربوری کشور به درستی هدایت و مدیریت شوند، می‌تواند توسعه همه جانبه کشور را به دنبال داشته و تمدن بزرگ ایران اسلامی، این آرزوی دیرینه ملت این سرزمین، را دردنیا شکل دهد. ایران تنها کشوری است که به هر دو حوزه نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر

دسترسی مستقیم دارد. جمهوری اسلامی ایران طولانی‌ترین ساحل را در خلیج فارس یعنی بزرگترین منبع انرژی جهانی به خود اختصاص داده است و در شمال نیز با حوزه نفت و گاز دریای خزر مجاورت بلاواسطه دارد. این مجاورت و تسلط، حتی اگر در حال حاضر فواید عملی چندانی بر آن مترتب نباشد، همچنان تعیین‌کننده و تأثیرگذار است.

دو سوم ذخایر ثابت شده نفت و یک سوم ذخایر ثابت شده گاز در خاورمیانه نهفته است. وجود منافع عمده انرژی و نفت در خاورمیانه موقعیت ایران را به حدی ارتقا بخشیده است که با اکثر کشورهای همسایه، دارای علائق مشترک ژئوپلیتیک

می‌باشد. منطقه خاورمیانه جزو حساس‌ترین مناطق جهان است، به طوری که قدرت‌های جهانی در هر سطحی که باشند منافع خود را در این منطقه تعریف کرده‌اند.

امروزه اقتصاد جهانی با نفت و گاز منطقه خاورمیانه گره خورده است و مصرف کنندگان انرژی در جهان به خصوص ایالات متحده آمریکا به انرژی این منطقه وابستگی دارند و همین وابستگی سبب شده که منطقه خاورمیانه را به عنوان علائق ژئوپلیتیک خود تعریف کنند.

قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا با حضور بیشتر خود در خاورمیانه ضمن رسیدن به این منابع، قدرت‌های رقیب خود را به چالش کشانند و به آن، شکل چالش ژئوپلیتیک دهند. در این میان، امریکایی‌ها همواره نگران روابط رو به رشد ایران با رقبای امریکا در بازار جهانی انرژی هستند.

بررسی ذخایر دریای خزر، خطوط لوله مطرح، ویژگی‌ها و ضعف‌های آن‌ها از لحاظ اقتصادی - امنیتی، مسافت و مسائل زیست‌محیطی مربوط به دریای خزر، مدیترانه، دریای سیاه و آبراه ولگا - دن حایز اهمیت است. خطوط لوله انتقالی از مسیر ایران به غرب با مقصد اروپا و جنوب خلیج فارس به عنوان کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای مطرح، اگر چه با ممانعت‌های ایالات متحده مواجه شد، اما هیچ‌گاه از موقعیت حساس و ژئوپلیتیک ایران نکاسته است.

در هر حال، ایران برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی، یک کشور ترانزیتی مطلوب است که می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد برساند و با وجود تلاش دولت امریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی

کردن راه انتقال نفت

و گاز، هنوز ایران به عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است.

نظر به این که ملاک قدرت در قرن بیست و یکم میلادی توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی است، خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن این توانمندی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود.

در برابر افزایش حضور اقتصادی و نظامی آمریکا و اسرائیل در منطقه خزر که بی شک منافع و امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد و برای مقابله با تلاش مزورانه آمریکا و اسرائیل برای انزوای سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه بر مبنای سه محور «حمایت از الگوی سکولار ترکیه»، «دخالته در امر مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر» و «پیگیری سیاست توسعه ناتو به سوی شرق»، ایران نیز بایستی به اقداماتی همچون بهبود روابط با کشورهای این منطقه دست بزند، اگر چه متأسفانه با دخالت‌های پنهان و آشکار ایالات متحده و گهگاه سکوت رضایت‌مندانه روسیه اجازه ایفای نقش مؤثرتر به ایران داده نشده است، اما در هر حال اولویت دادن به بحث دریای خزر، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تأکید بر سیاست تنش‌زدایی، امری ضروری برای ایران است.

در وضعیت کنونی، بیشترین درآمد نفتی را کشورهای آذربایجان و قزاقستان از منطقه خزر دارند و یا آذربایجان و روسیه همکاری‌های دوجانبه برای بهره برداری از منابع نفت دارند، ولی ایران نه تنها نتوانسته است از حق خود استفاده کند، بلکه کم کم این حق از او گرفته می‌شود که برای رهایی از این وضعیت باید به طور جدی مسئله خزر را در رأس برنامه‌های سیاست خارجی قرار داد و آن را مانند بحث خلیج فارس، مسئله روز افکار عمومی کرد.

ج چالش‌های ایران در منطقه خاور میانه

متأسفانه جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم شعارهای اسلامی و متمدنانه خود، تاکنون قادر نبوده است که منافع سیاسی - اقتصادی ناشی از این شعارها را کاملاً به دست آورد و ایران را تبدیل به یک قدرت بزرگ در خاور میانه نماید. انفعال ایران در سطح منطقه خاور میانه

پس از انقلاب اسلامی و علیرغم شعارهای مربوط به تنش‌زدایی در دولت‌های گذشته، سؤال جدی را در برابر مسئولان نظام قرار می‌دهد که ایران چگونه می‌تواند با تبدیل به قدرت هژمون منطقه‌ای، به این

وضعیت پایان بخشد؟ موارد زیر به درستی بیانگر چالش‌های ایران در منطقه است:

* وجود تعداد زیاد کشورهای همسایه و منابع تنش و تهدید قومی، مرزی، فرهنگی، نژادی و فرقه‌ای از یک طرف و توسعه نفوذ روزافزون آمریکا در این کشورها و ایجاد و تقویت حکومت‌های حامی سیاست‌های آمریکا از طرف دیگر، محدودیت‌هایی برای توسعه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

* وجود رژیم اشغالگر قدس و تلاش آن برای توسعه نفوذ خود در کشورهای همجوار و منطقه با حمایت صریح و مستقیم آمریکا جهت رودررو قرار دادن این کشورها با جمهوری اسلامی ایران از یک سو و همکاری گسترده نظامی کشورهای منطقه با ناتو و امریکایی شدن نظام کشورهای همسایه از سوی دیگر، چالش‌های جدی را فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

* به دلیل تبلیغات گسترده واهی و مسموم بر ضد انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه و بین‌الملل و ارائه تصویر مخدوش، ابهام‌آمیز، غلط و ناشایست از انقلاب اسلامی ایران و اهداف آن در خارج از مرزهای کشور، ایران اسلامی تاکنون نتوانسته است آرمان‌های واقعی و پیام عدالت‌خواهانه و بشردوستانه خود را به درستی به توجه مردم کشورهای همسایه برساند. لذا متأسفانه دیده می‌شود که در سال‌های حاکمیت رژیم دست‌نشانده طالبان بر افغانستان، تأثیر جمهوری اسلامی ایران در تحولات افغانستان حتی از کشورهای کوچکی مثل امارات متحده عربی و یا جمهوری آذربایجان کمتر بوده است. یا آن که در جنگ نابرابر اشغالگریانه آمریکا در افغانستان و عراق، علی‌رغم آن که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه، نظیر پاکستان و ترکیه، از منابع بالقوه بیشتری در این کشورها برخوردار بوده، اما متأسفانه نتوانسته است به طور کامل از منابع و توانایی‌ها و امکانات خود در سرزمین‌های اشغالی استفاده کند و به عنوان یک بازیگر فعال و مؤثر، امکانات بالقوه خود را به فعل تبدیل نماید.

* کاهش اقتدار کشورهای حوزه خلیج فارس در مدیریت عرصه انرژی جهان، افزایش قدرت آمریکا در تأثیر گذاری بر تصمیم‌گیری‌های اوپک، اتحاد مصرف‌کنندگان نفت در غرب و تحت مدیریت شرکت‌های چند ملیتی و عدم واکنش مناسب خریداران نفت در سراسر جهان و بالاخره تحریم گسترده اقتصادی آمریکا بر ضد ایران، از دیگر چالش‌هایی است که ایران در منطقه با آن مواجه است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود اگر چه شاید هیچ‌یک از کشورهای مربوط به زیرسیستم‌های خلیج فارس، خاور میانه، آسیای شمال غربی و شبه قاره، امتیازهای ویژه ایران در منطقه را ندارند، اما حقیقت تلخ آن است که توانایی تأثیر گذاری ایران در منطقه، حتی به اندازه کشورهای چون مصر، عربستان، ترکیه، اسرائیل غاصب و پاکستان نبوده است.

اگر چه جمهوری اسلامی ایران، از یک طرف پیوسته شعار رهبری جهان اسلام را سر داده و هزینه‌های چنین شعارهایی را نیز می‌پردازد و از طرف دیگر در سال‌های اخیر همواره سیاست‌های نرم‌افزارانه ایران در لوای تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح در دستور کار بوده است، اما متأسفانه نتوانسته است امتیازات چندانی را در سیاست‌های

خارجی خود کسب کند؛ به گونه‌ای که نه تنها برای تحقق شعارهای خود قدرت لازم و کافی نداشته، بلکه نتوانسته است شعارهای خود را از مرزهای جنوب لبنان و بخشی از فلسطین فراتر ببرد.

بر خوردهای انفعالی ایران در منطقه، علاوه بر وجود چالش‌های پیش گفته، ممکن است ناشی از نداشتن یک سند چشم‌انداز ملی طولانی مدت و در نتیجه فقدان استراتژی مشخص و آشکار در سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین عملکرد واکنشی و منطفانگانه ایران در مقایسه با سایر رقبا و یا بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای باشد.

اولویت دادن به بحث دریای خزر، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تأکید بر سیاست تنش‌زدایی، امری ضروری برای ایران است.

د - تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در منطقه آسیای

جنوب غربی

طبق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، دست یافتن جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه و قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل از اهداف این برنامه است. بر این اساس:

* مفهوم منطقه بلکه منطقه‌گرایی، پدیده‌ای که در طول یک دهه گذشته روندهای حاکم بر وضعیت جهانی را تحت تأثیر قرار داده و حتی به الگویی برای تحلیل مسائل جهانی و بین‌المللی تبدیل گردیده، امروزه، مورد توجه قرار گرفته است.

* جمهوری اسلامی ایران قادر است از طریق فرایند منطقه‌گرایی، ورود به جهانی بزرگتر را به محک تجربه و آزمایش بگذارد. توضیح آن که اجرای طرح‌های اقتصادی کلان منطقه‌ای، گسترش تجارت درون منطقه‌ای، تقویت بنیادهای فنی، ارتباطی و اقتصادی منطقه‌ای و سیاست‌های یکسان در قبال مسائل بین‌المللی از ویژگی‌های منطقه‌گرایی است.

* بنابراین تفکر منطقه‌گرایی شیوه‌ای برای ساختار جهانی شدن از طرف کشورهای در حال توسعه بوده و می‌تواند فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در این دوره باشد. در این راستا کشور ایران، منطقه وسیع آسیای جنوب غربی را در چشم‌انداز خود در افق ۱۴۰۴ مطرح می‌کند؛ منطقه‌ای به عنوان منطقه ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک (نفت، گاز و بطور کلی انرژی، بازار و تجارت، خطوط مواصلات بین‌المللی و احیای جاده ابریشم) و ژئوکالچرال (منطقه فرهنگی) مطرح است. این حوزه شاید تنها منطقه‌ای است که تمام شاخص‌های مربوط به تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای را در یک سبد دارد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور قدرتمند اقتصادی و نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و به لحاظ ظرفیت‌های منطقه‌ای و گستره ارتباطات پیرامونی می‌تواند به تحکیم و تقویت روابط منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس بپردازد.

در هر حال چنانچه جمهوری اسلامی ایران بخواهد اهداف سیاست منطقه‌ای و سیاست خارجی خود را محقق سازد و تبدیل به هژمون منطقه شود، بایستی ملاحظات زیر را در نظر داشته و برای تحقق آن برنامه‌ریزی مستمر، هماهنگ و منسجم داشته باشد:

* با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل و امنیتی شدن فضای نظام بین‌الملل پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، ایران باید با بازتعریف سیاسی، نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود در سطح منطقه را تعریف کرده و ارتقا ببخشد. بدون شک حفظ و ارتقای چنین جایگاهی، تنها با ارائه هدفی جدید و واگذاری به پارادایم جدید، یعنی دسترسی به یک قدرت منطقه‌ای امکان‌پذیر است.

* تبدیل شدن ایران به یک هژمون منطقه‌ای البته نه به صورت مکانیکی و فیزیکی و یا صرفاً ایدئولوژیکی، بلکه به صورتی که بتواند از قدرت‌های رقیب در منطقه از

جمله مصر، اسرائیل، ترکیه، عربستان و پاکستان جلوتر رود و تبدیل به لنگر منطقه شود، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و کامل دارد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه خلیج فارس بایستی مسئولیت بیشتری در قبال ثبات و امنیت منطقه داشته باشد. از این رو، لازم است سیاست‌های تعاملی ایران با کشورهای منطقه، برقراری روابط دوجانبه و چندجانبه متناسب با چالش‌های جدید بین‌المللی از جمله تروریسم، جهانی شدن، نفت و... در راستای منافع ملی و منطقه‌ای باشد.

* برای تحقق تدریجی سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی

ایران بایستی تمامی زیرسیستم‌های موجود در منطقه را به درستی شناسایی کند و آنگاه تصمیم بگیرد که در فضای پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با کدامیک از زیرمنطقه‌هایی چون ترکیه، قفقاز، عربستان، سوریه، عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و... حسب اولویت بندی مشخص، ائتلاف امنیتی، سیاسی یا اقتصادی برقرار سازد. البته نظر به این که جمهوری اسلامی ایران شاید نتواند به صورت موضوعی چون سیاسی - اقتصادی و... با همه این کشورها، در آن واحد ائتلاف نماید، بلکه طبعاً بایستی بلوک بندی‌های موجود در سطح منطقه‌ای را مدنظر قرار دهد. لذا شناخت شناسی و تعیین منافع‌گرایی، برای انتخاب اولویت‌ها مهم جلوه خواهد کرد.

این شناخت شناسی و تعیین منافع باید با محاسبه دقیق چگونگی مواجهه با حضور کشورهای قدرتمند و برتر در منطقه، صورت گیرد.

* جمهوری اسلامی ایران باید علاوه بر پیشرفت اقتصادی، استقرار همه‌جانبه مردم سالاری دینی و ثبات سیاسی، افزایش توان علمی - فناوری دستیابی به ثروت و مازاد ملی، دارا بودن برنامه جامع نظام سخت افزاری و نرم‌افزاری و منابع کمی و کیفی انسانی، به افزایش توان نظامی و بازدارندگی خود مبادرت ورزد و نقش پاسداری از صلح، امنیت و عدالت در داخل کشور و منطقه را به درستی ایفا کند.

* جمهوری اسلامی در مقابل تعهدات و مسئولیت‌هایی که برای حفظ امنیت و توسعه همه‌جانبه منطقه دارد، می‌کوشد و هزینه‌های آن را نیز می‌پردازد؛ نظیر تعهدات و ریسک‌هایی که امروزه ایالات متحده آمریکا در منطقه متقبل می‌شود، بایستی همواره امکانات و منابع داخلی و همچنین منافع ملی خود را در نظر داشته باشد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران باید در معادلات سیاسی منطقه‌ای و در سیاست خارجی خود به گونه‌ای حضور فعال داشته باشد که اجازه ندهد

**تفکر منطقه‌گرایی شیوه‌ای
برای ساختار جهانی
شدن از طرف کشورهای
در حال توسعه بوده و
می‌تواند فرصت مناسبی
برای جمهوری اسلامی
ایران در این دوره باشد.**

رفتاری در همسایگی این کشور شکل گیرد که منافع ملی و ارزش‌های حیاتی آن را هدف قرار دهد.

* علی‌رغم سیاست‌های خارجی امریکا که از همه کشورهای منطقه می‌خواهد در چارچوب منافع امریکا رفتار نمایند، ایران اسلامی باید ضمن حفظ و حراست از حاکمیت و استقلال و آزادی خود در مقابل قدرت‌های بزرگ در منطقه، به خصوص امریکا، عامل نظم و ثبات امنیت و برقراری توازن قوا در منطقه بوده و به نفوذ خود در منطقه ثبات و استحکام بخشد.

در پایان باید گفت جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و ارتقای جایگاه ویژه خود در منطقه، لازم است به تولید قدرت برای بقا و ارتقای موقعیت ساختاری خود از طریق الگوهای مبتنی بر خودیاری و خودتکایی و نیز ائتلاف‌سازی بپردازد.

لذا لازم است ائتلاف‌سازی و ایجاد اعتماد که همان حداکثرسازی همکاری با سایر بازیگران در منطقه است را به عنوان نیاز و دغدغه اصلی سیاست خارجی ایران در دستور کار قرار دهد و سه محور ائتلاف با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاور میانه، همکاری با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین همکاری منطقه‌ای ایران در چارچوب پیمان شانگهای را در نظر بگیرد. بدین ترتیب همکاری‌های دو و چندجانبه می‌تواند زمینه ساز امنیت و ثبات در منطقه باشد.

جایگاه ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک ایران در جامعه بین‌المللی

الف. شناخت محیط جامعه بین‌المللی
لازمه موفقیت هر بازیگری در سطح بین‌الملل، شناسایی موقعیت و جایگاه خود و آنگاه برنامه‌ریزی مناسب برای حفظ و

تأثیرگذاری صحیح آن در روابط بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران نیز هنگامی می‌تواند شکل و نوع بازی خود را در چارچوب تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به صورت بهینه تبیین و اعمال نماید که از حوزه توانایی‌ها و

ظرفیت‌های موجود خود آگاهی کامل داشته، واقعیت‌های حاکم بر سیاست خارجی را در راستای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و فرهنگی و همچنین منافع ملی در نظر بگیرد و برای تحقق اهداف کوتاه و بلند مدت خود حسب سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی مناسب و صحیح داشته باشد.

ایران کشوری است که تأثیر بسزایی در بازی قدرت‌های بزرگی مانند انگلستان و روسیه داشته و با وجود سیاست‌های استعماری این دو قدرت هرگز تسلیم این دو کشور نشد. به دنبال تغییرات ژرفی که پس از انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد، در زمینه سیاست خارجی نیز دچار تحولات بنیادین شد. شعار «نه شرقی، نه غربی» تغییرات سیاسی و آرمان‌های منبعث از انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌های برجسته پیوند سیاست خارجی و داخلی ایران می‌باشد.

سیاست ایران به عنوان بازی پنهان با قدرت‌های سیاسی بزرگ، به یک امر اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. سهم اصول و ارزش‌های ملی و اسلامی و تأثیر بسزای آن در سیاست‌های خارجی، بدون تردید وضعیت جمهوری اسلامی ایران را در جامعه بین‌الملل وضعیتی کامل منحصر به فرد، پیچیده و غیر قابل مقایسه بخشیده است. ایران با داشتن جمعیت و نیروی انسانی کیفی، ذخایر عظیم هیدروکربوری، موقعیت خاص ژئوپلتیک، موقعیت ژئواستراتژی جهانی، نفوذ فرهنگی و تمدن غنی ایرانی-اسلامی و برخوردار بودن از حوزه نفوذ فرهنگی و تمدنی ایرانی-اسلامی و استقلال طلبی جدی در کنار سایر عناصر قدرت ملی ایران (توانایی سیاسی، اقتصادی، نظامی، منابع طبیعی و...)، علاوه بر سطح منطقه‌ای، در ابعاد جهانی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که قادر خواهد بود علاوه بر تأثیرگذاری در منطقه، در نظام تک قطبی جهان نیز مؤثر واقع شود.

ب - جهانی شدن و فضای حاکم بر آن

جهانی شدن را می‌توان گسترش تشابهات، پیوندها و ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان و کمرنگ شدن تأثیر قلمروهای سیاسی و قید و بندهای ممنوعه در آنها تعریف کرد. جهانی شدن بر ایندی غیر ارادی از یک رشته طرح‌های ارادی و از پیش تعیین شده برای یکپارچگی جهان در زمینه‌های مختلف فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد و سیاست است.

جهانی شدن به عنوان یک پدیده ریشه دار در جوامع انسانی از گذشته‌های دور که به شکل گیری فضای واحد و همگون جهانی در همه پدیده‌ها و متغیرهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی رخ می‌دهد یک فرایند واقعی رو به تکامل است که امروزه تمامی جوامع بشری و حکومت‌ها را هدف قرار داده است. جهانی شدن از اواسط سده بیستم در ابعاد زیر، شتابی ناگهانی پیدا کرده است که موجب تحولات و تغییرات گسترده گردیده و هر روز شتاب بیش از پیش به خود می‌گیرد:

- جهانی شدن در ابعاد سیاسی، با فروپاشی کمونیسم و ابر قدرت شرق و تکمیل پیوستگی آن به اردوگاه سرمایه داری و تغییر نظام دو قطبی قدیم به نظم نوین جهانی

به رهبری غرب و امریکا و حضور بازیگران غیردولتی در صحنه روابط بین‌الملل که تعهدات دولت ملی را بر دوش ندارند و در عین حال با رفتار خود قادر به تأثیرگذاری بر کل نظام و تعاملات جهانی هستند، در حال تکامل تدریجی بوده و در این راستا باری ر حمی تمام در صدد برداشتن هر گونه مانعی از سر راه و حذف هر نوع رقیبی می‌باشند.

- جهانی شدن در ابعاد اقتصادی با ظهور فن‌آوری‌های نوین در عرصه ارتباطات و انتقال اطلاعات، وقوع تحولات در فرایندهای اجتماعی دیگری مانند فراصنعتی شدن و فرانوگرایی، ظهور شرکت‌های چند ملیتی و جهانی

لازمه موفقیت هر بازیگری در سطح بین‌الملل، شناسایی موقعیت و جایگاه خود و آنگاه برنامه‌ریزی مناسب برای حفظ و تأثیرگذاری صحیح آن در روابط بین‌المللی است.



شدن تولید کالاها و خدمات، افزایش روند سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تداوم روندهای کلان خارج از حیطه دولت‌ها و در نهایت پیوندهای غیر قابل انفکاک در بازارهای مالی جهانی و شبکه‌های گردش کالا و سرمایه، در صدد یکسان‌سازی اقتصاد جهانی بوده و تجارت جهانی واحد را ایجاد می‌کند.

جهانی شدن در ابعاد فرهنگی و اجتماعی با گسترش و پیچیدگی موضوعاتی مانند مهاجرت، ناسیونالیسم، مسائل فرهنگی، قومی و دینی، حقوق بشر و تروریسم بین‌المللی، یکی شدن تقاضاهای سیاسی و فرهنگی در جهت دموکراسی و لیبرالیسم فرهنگی، یکی شدن ذائقه‌های مردم جهان در نتیجه گسترش رستوران‌های زنجیره‌ای مک‌دونالد، پیتزا و کوکاکولا، حاکمیت مدگرایی در طرز پوشش‌ها و رفتارهای اجتماعی، ارتباطات گسترده ملل دنیا و شکل‌گیری احزاب و سازمان‌های اجتماعی درون و برون سرزمینی و در نهایت یکی شدن منابع خبری و اطلاعاتی بر اثر گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، در صدد ساختارسازی فرهنگی و اجتماعی واحد و اعمال سلیقه‌های یکسان فرهنگی و اجتماعی بر جوامع بشری می‌باشد.

از یک طرف، جهانی شدن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به همراه گسترش اطلاعات و ارتباطات وسیع ماهواره‌ای و شبکه‌های رایانه‌ای و کاهش چشمگیر در بسیاری از هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطاتی، افزایش سرعت تولید و انتقال فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تمایل برخی از کشورها به تهیه استراتژی و تاکتیک‌های لازم جهت کاهش قدرت آمریکا و در نتیجه کاهش فشار از سوی این کشور به آنها و استفاده از دانش و مهارت‌های فنی در زمینه‌های تولیدی و خدماتی با همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی ممکن است برای کشورهای در حال توسعه ایجاد امتیاز کند و حتی امکان بیداری سیاسی میان کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه آمت اسلامی، در مقابله با استعمار و ظلم و سلطه طلبی قدرت‌های بزرگ جهان را فراهم سازد.

از طرف دیگر، جهانی شدن ممکن است باعث از میان رفتن و کمرنگ شدن بسیاری از ارزش‌ها، معیارها، فرهنگ‌ها و انگیزه‌های ملی در مواجهه با آثار جهانی‌سازی، یکجانبه‌گرایی و مداخله‌گری غیر مشروع آمریکا در جهان در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، پرداختن به جنگ‌های روانی و تبلیغی علیه کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران گردد که با مظاهر جهانی‌سازی به شکل غربی آن مخالفت می‌کنند تا آن که آنها را از مواضع ارزشی خود در سطح بین‌المللی عقب برانند و بالاخره شکل دهی افکار عمومی، از طریق هدایت رسانه‌های گروهی (اخبار و اطلاعات و تحلیل) توسط استخبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل خبری می‌باشد.

ج - تعامل ایران با جامعه بین‌المللی

جامعه بین‌المللی یا نظام جهانی (به‌ویژه پس از تعمیق فرایند جهانی شدن) وابستگی متقابل پیچیده‌ای را تجربه می‌کند. بر این اساس هر کشوری متناسب با جایگاه و موقعیتی که از آن برخوردار است، باید میزانی از سود و منفعت متقابل را در تعامل دو یا چند جانبه تجربه کند. بدیهی است در این فرایند، براساس اصل حقوق بین‌المللی همزیستی مسالمت‌آمیز، سود نسبی به جای سود مطلق معیار یک تعامل منطقی بین‌المللی قرار گرفته و اصول کلی حقوقی بین‌المللی از تحکیم منافع یک جانبه یک طرف بر طرف دیگر در یک تعامل بین‌المللی جلوگیری کند.

البته تأکید بر مفهوم همکاری متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و اعمال اصل سود نسبی الزاماً به معنای فقدان رقابت و حتی چالش در سطح نظام بین‌المللی نیست. واقعیت آن است که دولت‌ها پیوسته به دنبال

افزایش قدرت خود هستند و گاهی در این مسیر ساختارهای حاکم بر جامعه بین‌المللی و منطبق تعامل بر اساس اصل حاکمیت تساوی کشورها را مخدوش ساخته و به راحتی اصول کلی حقوق بین‌الملل را در اقدامات یکجانبه خود نقض می‌کنند.

مفهوم وابستگی متقابل در تعامل منطقی، فقط در اصل سود نسبی ظهور نمی‌کند، بلکه در نقطه مقابل، اصل نگرانی‌های مشترک رانیز شامل می‌گردد، همچنان که ممکن است در تعامل منطقی بین‌المللی کشورها از یکدیگر براساس اصل نسبت متفجع گردند، نگرانی‌های ناشی از چنین تعاملی نیز بایستی به صورت مشترک درک شده و راه‌حل‌های جمعی برای آن اتخاذ گردد. موضوعاتی نظیر فقر، محرومیت، بیماری‌های واگیردار و مسری مهلک، تروریسم و توسل به خشونت، نقض حقوق بشر، جنگ‌ها و خونریزی‌ها، همگی بایستی بر اساس اصل نگرانی مشترک مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرد و اراده مشترک آنها به حل و فصل این مشکلات و آفات بپردازد.

اما متأسفانه واقعیت در این نقطه نیز غیر از تئوری پردازی‌های عقلانی و منطقی است، بدین گونه که امروزه جامعه بین‌الملل در برابر نگرانی‌های مشترک، رفتارهای همسو و هماهنگ و یکسان مشاهده نمی‌کند. به عنوان مثال، مسئله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و یا مسئله تروریسم در حال حاضر محورهای اصلی نگرانی مشترک در نظام بین‌المللی به شمار می‌روند، اما همانند مفهوم سود نسبی نگرانی مشترک دولت‌ها، نگرانی یکسانی نیست و متناسب با جایگاه و موقعیت کشورها، نگرانی‌های آنها نیز دارای شدت و ضعف است.

مفهوم وابستگی متقابل در تعامل منطقی، فقط در اصل سود نسبی ظهور نمی‌کند، بلکه در نقطه مقابل، اصل نگرانی‌های مشترک را نیز شامل می‌گردد.

در هر حال، نکته قابل تأمل در هر دو محور اعمال اصل نسبی و نگرانی مشترک این است که قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه قدرت هم‌مون نقش مؤثر و نافذی در تعیین میزان سود و یا طرح نگرانی مشترک برعهده دارند.

نظام تشویق و تنبیه، که از سوی قدرت برتر (امریکا) با همکاری قدرت‌های بزرگ (و در برخی موارد با مساعدت سازوکار مشروعیت بخش نهاد‌های بین‌المللی) دنبال می‌شود، تداوم این روند را تضمین می‌کند!

د- تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی
بر اساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، ایران دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول قانون اساسی و رعایت مبانی عزت، حکمت، مصلحت و اقتدار در روابط خارجی می‌باشد. نظر به این که فرایند جهانی شدن از یک سو و مسئله تغییر و تحول در نظم جهانی و یا به عبارت بهتر، فرایند دگرگونی در الگوهای تعامل میان کشورها از سوی دیگر، مسئله محیط و چارچوب را بیش از گذشته شایان توجه و تأمل قرار داده و همچنین نظر به این که جهانی شدن به مفهوم نظم نوین جهانی در عرصه روابط بین‌الملل، تغییر تعاملات دولتی از شکل کنونی آن، کمرنگ شدن مفهوم دولت ملی و حاکمیت سرزمینی و ظهور نهاد‌های قدرتمند غیردولتی یا فراملی در عرصه بین‌المللی، پدیده‌ای است که دیر یا زود همه کشورها از جمله ایران را در بر خواهد گرفت، لذا لازم است بر اساس موارد زیر به طور مناسب و صحیحی کنترل و هدایت گردد:

- هر کوششی برای برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی در سطح داخلی کشور به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر تنها در تعامل با محیط‌های بزرگتر (نظام بین‌المللی و منطقه‌ای) معنا و مفهوم پیدامی‌کند. بنابراین، برنامه‌های کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت کشور بایستی از جامعیتی برخوردار باشد که دو سطح داخلی و بین‌المللی را در بر بگیرد و مقتضیات و

نیازهای کشور را در هر دو سطح پاسخگو باشد.

- توجه به اتحاد‌های منطقه‌ای و گسترش سطح همکاری‌ها، می‌تواند گذشته از تأمین امنیت مرزی، جمهوری اسلامی ایران را در حد قابل قبولی از تبعات منفی

جهانی شدن مصون دارد.

- از آنجا که از یک طرف حاکمیت و امنیت ملی یکی از مؤلفه‌های مهمی است که تحت تأثیر جهانی شدن دچار چالش اساسی می‌شود و از طرف دیگر در دنیای امروز و آینده، امنیت ملی بر حسب قدرت و پویایی اقتصادی سنجیده می‌شود. در واقع دنیای رو به جهانی شدن به عنوان جهانی توصیف می‌شود که در آن چالش‌های اقتصادی جایگزین چالش‌های نظامی می‌شوند و ملت‌ها برای ارتقای امنیت ملی عمدتاً روی ابزارهای اقتصادی تکیه می‌کنند تا نظامی. لذا برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران، بسیار حیاتی است که در این رابطه سیاست‌های مشخصی در راستای حفظ حاکمیت و امنیت ملی در پیش گیرند.

- نظر به این که درک جامع از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در گرو تجزیه و تحلیل متغیرهای درون سیستمی و برون سیستمی تأثیرگذار در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور است و از مهم‌ترین متغیرهای درون سیستمی می‌توان به شاخص‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک، ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های سیستم سیاسی و همچنین جهانی شدن می‌باشد، تمرکز و حساسیت بر موضوعاتی نظیر منافع ملی، استراتژی، طراحی خط مشی، پیاده‌سازی، بازبینی و ارزیابی اهداف در ایجاد پیوند میان متغیرهای درون سیستمی و برون سیستمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- نهاد‌های بین‌المللی در ساختار نظام بین‌المللی موجود، وظیفه تنظیم، تسهیل، تعدیل و تحدید روابط میان دولت‌ها را بر عهده دارند. نهاد‌های بین‌المللی ساختارهایی خنثی نیستند و قدرت‌های بزرگ متناسب با سهمی که از قدرت دارند، از نفوذ بیشتری در این نهاد برخوردار هستند. با این حال، این مسئله به معنای آن نیست که نهاد‌های بین‌المللی یکسره در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار داشته باشند. این نهادها در موارد متعددی خط مشی متفاوتی را دنبال می‌کنند و فرصت‌هایی را نیز برای دولت‌های ضعیف‌تر فراهم ساخته‌اند.

بحران‌های اخیر در نظام بین‌المللی، نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل را در تعاملات جهانی افزایش داده و تصمیمات این سازمان‌ها را به معیار و ملاک تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری افکار عمومی جهانی تبدیل کرده است.

اکنون لازم است موارد زیر جهت حفظ و ارتقای جایگاه شایسته جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی، حسب سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ مورد ملاحظه و توجه ویژه قرار گیرد:

- گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همزیستی فعالیت با جهان خارج و مقابله با انزوا یا سرلوحه قرار دادن اصول عزت، حکمت و مصلحت.

- تعامل با دنیای خارج بر اساس احترام به قواعد و هنجارهای بین‌المللی و اصل عدم مداخله در امور دیگران و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها و گفتگو با کانون‌های قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی.

- تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم و بهره‌گیری از آن برای افزایش توان ملی و مقابله با تک قطبی شدن جهان به همراه تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.

- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.

- تقویت و تسهیل حضور مؤثر و همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای اصلاح ساختاری آنها نظیر سازمان ملل متحد.

- تأکید بر چندجانبه‌گرایی و تقویت سطح همکاری با سازمان‌های

در دنیای رو به جهانی شدن، چالش‌های اقتصادی جایگزین چالش‌های نظامی می‌شوند و ملت‌ها برای ارتقای امنیت ملی عمدتاً روی ابزارهای اقتصادی تکیه می‌کنند تا نظامی.

منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (انکتاد)، نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه (GSTP)، سازمان جهانی تجارت (WTO)، سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان کنفرانس اسلامی، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و... - بازرگانی و ساماندهی ساختار دستگاه‌ها و نهادهای فعال در تجارت خارجی و فعال شدن دستگاه دیپلماسی در شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های خارج از کشور توسط دستگاه دیپلماسی کشور و معرفی آنها به بنگاه‌های اقتصادی داخلی و تشویق برای فعالیت در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف بسط روابط اقتصادی بین‌المللی با کشورهایی که موجب سرعت بخشیدن توسعه اقتصادی کشور می‌شوند.

جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه و جامعه بین‌المللی

الف - جهانی شدن اقتصاد

همچنان که بیشتر گفته شد، در فرایندهای جهانی شدن، یکی از عوامل مهم و مؤثر در جهانی شدن اقتصاد بین‌الملل می‌باشد. طی دو دهه گذشته، گسترش پیوسته تجارت و مبادلات و رشد فزاینده جریان‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی در وابستگی متقابل جهانی تأثیر اساسی گذاشته است.

از یک سو آزادسازیهای بازارهای مالی به همراه فناوری اطلاعات، موجبات جهانی شدن بازارهای مالی را فراهم آورده است و از سوی دیگر، در هم آمیزی اقتصادی بین‌المللی فرصتهایی برای تخصصی شدن فعالیتهای فراهم کرده که سبب افزایش وابستگی‌های جهانی برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری می‌شود.

جهانی شدن اقتصاد یا درهم آمیزی بین‌المللی و منطقه‌ای حاصل عواملی نظیر گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه بازارهای مالی، شکل‌گیری تراست‌ها، کارتل‌ها و شرکت‌های فراملیتی در تجارت بین‌الملل، شکل‌گیری نظام‌های نوین سازماندهی صنعتی چون جهانی شدن بازارهای مالی، کنترل زدایی، آزادسازی تجاری و ایجاد فضای رقابتی مناسب برای مبادلات تجاری، مبادله و انتقال آزاد و سریع سرمایه، دانش فنی و فن‌آوری و پیشرفت‌های فنی به‌ویژه انقلاب در فن‌آوری اطلاعات و انفورماتیک می‌باشد.

بنابراین فضای جدید شکل‌گیری اقتصاد جهانی، موجب می‌گردد که موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای کاهش یابد، نظام‌های ارزی اصلاح شود، نظام‌های سرمایه‌گذاری خارجی آزاد گردد، اتحادیه‌های تجاری بین‌المللی شکل گرفته و همکاری‌های منطقه‌ای تجاری در جهان توسعه پیدا کند، بخش خصوصی رشد یابد، پیشرفت‌های فنی قابل توجهی رخ دهد و بالاخره آن که انقلاب عظیمی در فناوری و اطلاعات و ارتباطات به وجود آید.

ب - تعامل ایران با اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی

جهان در قرن بیست و یکم، دنیایی آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج فناوری‌های برتر و گسترش تجارت است و رهیافت‌های موفقیت‌آمیز ایران در تعامل با اقتصاد جهانی، باید متکی بر مثلث «پیشرفت اقتصادی»، «حاکمیت ملی» و «هویت اسلامی» باشد.

فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی با رویکردی راهبردی نسبت به تشخیص شرایط جدید بین‌المللی با شناخت و دگرگونی‌ها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی - اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، همچنین با نگرش به مهمترین مسائل و تنگناهای اقتصاد ملی، باید مسیر انجام تحولات ساختاری - فن‌آوری و پاسخگویی به الزامات رشد و توسعه پایدار و اثبات اقتصاد کشور را هموار سازد.

روابط و مؤلفه‌های اقتصادی بر ثبات و همگرایی در یک منطقه مؤثر است. این روابط در یک منطقه هر چه بیشتر مبتنی بر توسعه پایدار

باشد، همگرایی افزایش و تنش کاهش خواهد یافت. هرچه میزان دخالت عناصر خارجی و رسوخ جاه‌طلبی قدرت‌های بزرگ در اهداف و سیاست‌های دولت‌های یک منطقه بیشتر باشد، درجه واگرایی و تنش افزایش خواهد یافت.

اگرچه اقتصاددانان کشور در خصوص عضویت و یا عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مسیر تعامل بین‌المللی اقتصاد ایران با کشورهای منطقه و در سطح بین‌الملل را با چالش مواجه خواهد کرد. بی‌شک عدم عضویت ایران در سازمان مزبور و یا اتحادیه‌های اقتصادی و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تحقق این هدف چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ را که تبدیل به قدرت نخست اقتصاد منطقه است، با ابهام روبه‌رو خواهد کرد.

بدیهی است برای اینکه اجرای پروژه‌های عظیم سرمایه‌گذاری ۱۳۰ میلیارد دلاری طی ۱۰ سال آینده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، ۲۵ میلیارد دلاری در بخش کالا و صنایع مخابراتی و ارتباطات و حدود ۳۰ میلیارد دلاری در حوزه وزارت نیرو تحقق یابد، بایستی بسترسازی و زمینه‌سازی لازم در بخش‌های انرژی، نیرو و صنایع و معادن صورت پذیرد. در این راستا، لزوم تعامل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های تجاری بین‌المللی و شرکتهای بین‌المللی خارجی به عنوان بخشی از تلاش‌های خارجی مورد نیاز برای جذب سرمایه‌های خارجی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. البته تعامل اقتصادی و یا حتی عضویت ایران در سازمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی زمانی با موفقیت همراه خواهد بود و مزایایی برای کشور ایران خواهد داشت که پیش از آن، اصلاحاتی در ساختار اقتصادی، تجاری، کشاورزی و صنعتی کشور صورت گیرد. در غیر این صورت، با توجه به چگونگی موازنه بازرگانی کشور، انتظار بر خورداری از مزایای عضویت در سازمان، نامعقول می‌نماید. عضویت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی به‌ویژه سازمان

رهیافت‌های موفقیت‌آمیز ایران در تعامل با اقتصاد جهانی، باید متکی بر مثلث «پیشرفت اقتصادی»، «حاکمیت ملی» و «هویت اسلامی» باشد.

تجارت جهانی ممکن است راه را برای افزایش واردات هموار سازد و از این رو به نظر می‌رسد مصرف‌کنندگان از کالاهای خارجی بسیار استقبال نمایند و این روی آوری سبب کمبود تقاضای مؤثر برای بسیاری از کالاهای داخلی می‌شود. در نتیجه نیروی انسانی شاغل در برخی از صنایع داخلی با تهدید یا تعدیل مواجه خواهد شد.

بدون شک تعامل با اقتصاد بین‌الملل و وارد شدن به جامعه جهانی، همواره دارای نکات مثبت و منفی می‌باشد که لازم است حسب مورد، بررسی کارشناسی شود و تصمیم مقتضی، بر اساس منافع و مصالح ملی کشور اتخاذ گردد.

ج- چالش‌های اقتصادی ایران در منطقه و جامعه بین‌الملل

ایران در حالی که با ۱۴ کشور منطقه به صورت آبی و خاکی همسایه است و از منابع و ظرفیت‌های مناسب اقتصادی برخوردار می‌باشد، اما تاکنون نتوانسته متناسب با امکانات و توانایی‌های خود در بازارهای نوظهور عراق و افغانستان نفوذ کند، به حدی که کالاهای کشورهای مانند کره، چین و ترکیه در حد بالایی بازارهای مزبور را پر کرده‌اند.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در وضعیتی تدوین شده که چالش‌های زیر اقتصاد ایران به اندازه‌ای است که از نظر توانایی تأثیر گذاری اقتصادی، خواه در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی، دارای تنگناهای زیر می‌باشد:

- اقتصاد ایران جزو کوچک و پاره سیستمی از اقتصاد جهان به شمار می‌رود، به حدی که سهم تجارت خارجی ایران از نظر حجم، کمتر از یک درصد جامعه جهانی بوده و اقتصاد آن از نیم درصد تأثیر گذاری هم کمتر است.

- نظر به اتکای اقتصاد ایران به صادرات منابع طبیعی مانند نفت خام، اقتصاد برون‌زا محسوب می‌شود و این بدین معنی است که تأثیر پذیری اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی به شدت زیاد است.

- اقتصاد ایران اقتصادی متمرکز، بسته و دولتی است که حضور بوروکراسی عظیم دولتی به عنوان مهمترین اهرم کنترل اقتصاد کشور به حساب می‌آید.

- اگر چه بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی در چند سال اخیر ممکن است یکی از عوامل افزایش سرانه ملی کشور تلقی گردد، ولی باید توجه داشت که صرف افزایش تولید ناخالص داخلی، بدون توجه به چگونگی این افزایش و تأثیری که بر ساختار اقتصادی ایران به طور بلند مدت دارد، نمی‌تواند توسعه اقتصادی و یا حتی رشد پایدار و موزون و درون‌زایی را تضمین کند.

- نظام مدیریت سنتی حاکم بر اقتصاد ایران که از نظام‌های مدیریت پیشرفته دنیا فاصله دارد و همچنین عدم حاکمیت شایسته سالاری در انتصاب مدیران و کارشناسان حاذق از یکسو و نهادینه نشدن مؤسسات نظریه پردازی اقتصادی و فن‌آوری در کشور از سوی دیگر، موجبات اتلاف منابع و عدم بهینه‌سازی فرصت‌های اقتصادی می‌گردد.

- تأثیر قدرت‌های بزرگ در میان کشورهای صادرکننده مواد خام، به خصوص جهت جلوگیری از تشکیل کارتل و افزایش قدرت چانه‌زنی اقتصادی در عرصه مبادلات بین‌المللی و همچنین تحریم‌های اقتصادی همه جانبه از سوی ایالات متحده امریکا از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی و ادامه چنین تحریم‌هایی در مرحله دوم ریاست جمهوری بوش، موجب محدودیت‌ها یا موانعی جهت دستیابی به دانش فنی صنعتی و اقتصادی در بخش‌هایی از صنعت، به خصوص صنایع هوایی و نظامی و هسته‌ای شده است.

- ممانعت کشورهای صاحب فن‌آوری بر تر از انتقال آن به داخل و وابستگی تکنولوژیکی کشور از یک سو و درجه وابستگی آن به فن‌آوری روز جهانی و منابع سرمایه‌ای و بازارهای تجاری موجود در جهان پیشرفته، جهت صادرات تولیدات کشاورزی و صنعتی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی و همچنین فرار مغزها و نیروهای توانا، متخصص و کارآفرین به سمت کشورهای غربی از سوی دیگر، تنگناهای جدی در توسعه اقتصادی کشور ایجاد کرده است.

د- تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حفظ و ارتقای جایگاه ایران در جامعه بین‌الملل

جمهوری اسلامی ایران برای آن که به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ نایل گردد لازم است متوسط رشد سالیانه اقتصاد کشور طی ۲۰ سال آینده به ۶/۸٪ و متوسط نرخ تورم نیز به ۵٪ برسد. بر این اساس، لازم است در صورت انتخاب گزینه مطلوب نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی (پایان دوره ۱۰ ساله) به ۷٪ کاهش یابد. با توجه به منابع کافی در کشور، برای آن که ایران در ۲۰ سال آینده به سوی ایران اسلامی توسعه یافته‌ای که اثر بخش، نقش‌آفرین و پیشگام باشد و برای آن که اهداف سند چشم‌انداز در ابعاد اقتصادی همه جانبه به خصوص منطقه‌ای و بین‌المللی تحقق یابد، بایستی اقدامات زیر حسب برنامه‌ریزی صحیح و مناسب کوتاه مدت و طولانی مدت اتخاذ گردد:

- توسعه تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران با محوریت توسعه صادرات غیرنفتی، بهبود تراز بازرگانی، افزایش درآمدهای صادراتی و نیز بالا رفتن سهم کشور در تجارت جهانی.

- نهادینه کردن روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی و بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشوره برای نهادینه کردن روابط اقتصادی.

- جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان راهی برای تسریع حرکت اقتصاد به سوی توسعه و ایجاد اشتغال و اهرمی برای رشد اقتصادی و نظام مدیریتی و تبادل تجربیات اقتصادی و به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین.

- رعایت استانداردهای بین‌المللی تولید کالا و خدمات جهت امکان‌سازی حضور در بازار جهانی در بخش‌هایی که تولیدات ایران دارای مزیت

برای آن که به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز و افق ۱۴۰۴ نایل گردیم، لازم است متوسط رشد سالیانه اقتصاد کشور طی ۲۰ سال آینده به ۶/۸٪ و متوسط نرخ تورم نیز به ۵٪ برسد.

نسبی و بهره‌وری می‌باشد و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز.

- پای گذاردن به عرصه رقابت در عرصه تولید کیفی و قابل رقابت کالاهای تجاری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی.

- حرکت در جهت تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد به منظور پایدارسازی فرایند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع. خاطر نشان می‌سازد برای تحقق چشم‌انداز آینده صنعت نفت و گاز ایران در افق ۲۰ ساله کشور، تحقق چهار هدف کمی تا ده سال آینده مورد توجه برنامه‌ریزان در این صنعت قرار گرفته است که ایجاد ظرفیت برای تولید روزانه ۷ میلیون بشکه نفت خام، میعانات و مایعات گازی با میانگین تولید ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز نفت خام یکی از این هدف‌هاست.

برای تحقق این هدف مهم، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز در صنعت نفت کشور در برنامه پنج ساله چهارم توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور، ۱۵ میلیارد دلار در سال است که حداقل ۴ تا ۵ میلیارد دلار آن از منابع داخلی تأمین و بقیه باید از منابع خارجی و استفاده از روش‌های مختلف از جمله بیع متقابل یا فاینانس تأمین شود.

- هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، به‌ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین دستی آن‌ها.

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها با اولویت سرمایه‌گذاری در ایجاد زیر بنا و زیرساخت‌های مورد نیاز.

- سامان‌دهی سواحل و جزایر ایران و سازمان‌دهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاست‌های آمایش زمین.

- اصلاح و تغییر قوانین و مقررات، استانداردها و رویه‌ها در بنگاه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات عمومی و خصوصی برای سازگاری با ضوابط و قواعد و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی، جهت کارآمد کردن امور و همچنین وضع قوانین حمایتی جهت حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن.

- توجه ویژه به بخش صنعت و معدن به گونه‌ای که در آن سهم اطلاعات، دانش و خدمات افزایش می‌یابد، مواد پیشرفته و جدید جایگزین مواد سنتی می‌شوند، تنوع محصول، طراحی، مدیریت فرایند، بازاریابی، فروش و تبلیغات اهمیت روزافزون می‌یابد.

- ارتقای بازار سرمایه از طریق اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور، تأکید بر کارایی، شفافیت و سلامت بازار سرمایه در کشور، بهره‌مندی از فن‌آوری‌های نوین، استقرار نظام مالی، ارزیابی کیفیت متناسب با استانداردهای بین‌المللی و همچنین اصلاح و تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی برای رسیدن به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات.

- ارزیابی جدی در مسائل مرتبط با گمرکات، قوانین و تعرفه‌ها و مقررات کسب و کار و فراهم آوردن بسترهای حقوقی و قضایی مناسب جهت توسعه تجارت الکترونیکی در کشور.

- حذف محدودیت‌های زمانی و مکانی در تجارت الکترونیک و به کارگیری فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک به منظور دسترسی کم هزینه‌تر و سریعتر مشتریان به کالا و خدمات، شفاف‌سازی تجاری و اقتصادی، ساده و مؤثرتر کردن عملیات تجاری از طریق تغییرات فرایندی، فراهم کردن موجبات ارتقای سریعتر بهره‌وری حاصل از فعالیت‌های اقتصادی و شفاف‌سازی اطلاعات و همچنین امکان افزایش کنترل بر عملکرد مالی شرکت‌ها و مؤسسات مختلف در حوزه اقتصاد بخش عمومی.

توجه به دانش فنی تا آن که برتری‌های ناشی از فراهم بودن منابع خام

طبیعی جای خود را به امتیازها و برتری‌های ناشی از دانش و فناوری بدهد.

- بهبود وضعیت استفاده از نیروی انسانی کارآمد و دانش‌آموخته با استقرار نظام شایسته‌سالاری در امر اداره امور اقتصادی کشور به خصوص در تعاملات اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین توسعه آموزش در کلیه سطوح، به‌ویژه در مقطع دانشگاهی در رشته‌های علوم و مهندسی و همچنین ارتقای مهارت‌ها از طریق توسعه نظام آموزشی نیروی کار.

- تنظیم برنامه منظم سالیانه یا چند سال یکبار جهت پاکسازی و سالم‌سازی اقتصاد ایران از عدم تعادل‌ها و ناهنجاری‌های متراکم شده و سالم‌سازی اقتصاد و جامعه قبل از آغاز برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واقعی آن‌است.

- اتخاذ سیاست‌های مربوط به برقراری کارآمد شرایط آزادی تجارت خارجی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی از طریق پی‌ریزی ساختار مناسب برای تعامل خلاق و مشارکت خردمندان و مؤثر در فرایندهای جهانی‌شدن.

- دگرگونی در ساختار حمایت‌های دولتی و معطوف کردن آن به ایجاد نهادهای پشتیبان در راستای ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری در سطح اقتصاد ملی و بنگاه‌ها و همچنین ایجاد تسهیلات اداری، گمرکی و قضایی برای روان‌سازی جریان تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی. بدون تردید چنانچه ایران بخواهد در منطقه و آسیای جنوب غربی از نظر علمی، فنی، تخصصی و صنعتی اول باشد، بایستی دولت به جای مداخله‌گری، نقش هدایت‌کنندگی را بپذیرد و با تصویری درست از اقتصاد آزاد، تمامی تلاش‌های ملی به سوی تصویر نمودن افق روشن در آینده معطوف داشته و از تعارض نیروها جلوگیری کند.

- توسعه سکوه‌های صادراتی و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از طریق تعریف جدید منابع

درآمدی سازمان‌های مناطق آزاد و تمرکز کارکردهای این مناطق بر حوزه‌های هم‌پوندی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی و احتراز از رویکردهای توسعه منطقه‌ای و منظومه‌ای کردن توسعه این مناطق با توسعه ملی.

**میزان سرمایه‌گذاری
مورد نیاز در صنعت
نفت کشور در برنامه
پنج ساله چهارم توسعه
فرهنگی، اقتصادی و
اجتماعی کشور، ۱۵ میلیارد
دلار در سال است.**

- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با پی‌ریزی مناسبات سیاسی نوین و کارآمد با خارج، متکی بر اصل تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی و همچنین گسترش و تجهیز دالان‌های ارتباطی با عملکرد فراملی و مراکز جمعیت مستقر در آن برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور.

- ایجاد ساز و کارها و زمینه‌های مناسب برای برقراری و همگرایی عوامل مؤثر در ارتقای بهره‌وری و نوآوری در منظومه دانشگاه، صنعت و دولت در سطح ملی و بین‌المللی.

- سیاست‌گذاری، حمایت و پشتیبانی، برقراری تسهیلات، بسترسازی و ایجاد زیرساخت‌های ضروری در توسعه تجارت خارجی کشور بر اساس محورهایی مانند ظرفیت‌سازی، روان‌سازی، صادرات و تسهیل تجارت خارجی، بازاریابی کالا - خدمات، ارائه خدمات مشاوره‌ای، آموزش و اطلاع‌رسانی تجاری و بالآخره تنظیم همکاری‌های اقتصادی و توسعه روابط تجاری.

- تعامل فعال و هدفمند با اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن، اتاق تعاون و تشکلهای تولیدی، تجاری و صادراتی کشور در جهت دستیابی به اهداف توسعه تجارت.

- تسهیل تبادل دانش فنی میان بنگاه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها در راستای رقابتی شدن فعالیت‌های تجاری.

- نظارت بر فرایند تجارت خارجی کشور در جهت دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله.

در نهایت آن‌که استفاده از شیوه‌های پیشرفته فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به منظور همسازي و فراهم کردن زمینه‌های تبادل اطلاعات و تجربیات با دیگر کشورها و حضور مؤثر در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی و استفاده

از امکانات و ظرفیت‌های آنها در فعالیت امور اجتماعی و عمومی، مورد تأکید است. توضیح آن که تبدیل ایران به قطب ارتباطات، رایانه و اطلاع‌رسانی در منطقه با تکیه بر ICT و استقرار جامعه اطلاعاتی، تضمین دسترسی

امن و ارزان شهروندان به اطلاعات، ترغیب به تولید محتوای اطلاعات و قوانین مالکیت فکری، توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی و کسب سهم از بازار ارتباطات بین‌المللی و بومی سازی ICT، گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان، تکیه بر Patent و طراحی نظام جامع حقوق مالکیت فکری ملی و بین‌المللی، رشد فعالیت‌های دانایی محور، از جمله مواردی است که لازم است نسبت به آن طراحی مناسب و صحیح کرد.

پیشنهادها و نتایج

ایران با داشتن موقعیت‌های مختلفی مانند دارا بودن نیروی انسانی و ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی و بومی آن، جایگاه منحصر به فرد در منطقه آسیای جنوب غربی، دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز در منطقه خلیج فارس و دریای خزر، جایگاه ویژه در جهان اسلام می‌تواند به اهداف مدون در چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ نائل گردد.

برای آن که جمهوری اسلامی ایران در طی ۲۰ سال برنامه‌ریزی و اجرای درست به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد، لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

- برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلندمدت کشور باید با مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی سند چشم‌انداز منسجم و هماهنگ باشد و در تهیه برنامه‌های اجرایی، پیوسته به اصول عزت، حکمت، مصلحت و اقتدار و موفقیت در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی توجه کامل داشت.

در هر حال حرکت‌های حال و آینده کشور بایستی بر پایه مدیریت سند چشم‌انداز و مبتنی بر شناخت وضع موجود و عوامل آن و تحلیل محیط ملی و بین‌المللی بوده و با نگاه آینده‌ساز فعال دربرگیرنده کلیه قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به صورت یک کلیت و همچنین نگاه تعاملی با منظومه خرد، کلان، ملی و فراملی فرایندها و قلمروها بایکدیگر باشد.

- از آنجا که هر استراتژی خوب نیازمند اجرای خوب تر است، قوای سه‌گانه کشور از مجریه، مقننه و قضائیه، علاوه بر آن که بایستی نسبت به اجرای کامل و صحیح برنامه‌های مدون، نظارت و مدیریت قاطع و شفاف داشته باشند، باید از تمام ظرفیت‌های موجود کشور، به خصوص نیروهای انسانی جوان کشور استفاده بهینه کند.

بدون شک، مشارکت همه جانبه سرمایه انسانی عظیم کشور از جمله جوانان و متخصصان داخل و خارج در توسعه کشور می‌تواند کشور عزیز ایران را در جهت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تقویت پیوند دو سویه خردمندان، بالنده و متقارن با اقتصاد جهانی موفق سازد.

- برای حرکت به سوی اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله، علاوه بر دگرگونی در ساختارها و نهادهایی که مانع پیشرفت کشور می‌شوند و یا مسیر حرکت رو به جلور را کند می‌کنند، باید شرایط امنیت و اقتدار ملی را با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعادل منطقه‌ای تقویت کرد و نظام‌نهادی و انگیزشی مناسب با استقرار حقوق مالکیت معنوی در جهت شکل‌گیری بازار دانایی و تقویت مبادلات علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرد.

در پایان، جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در حفظ و ارتقای جایگاه ایدئولوژیک و ژئوکالچر ایران در جهان اسلام، جایگاه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی به‌ویژه خاورمیانه و دریای خزر و نیز جامعه بین‌المللی، لازم است فرصت‌ها و چالش‌های جدی که ایران در طی ۲۰ سال با آن مواجه خواهد شد مورد بررسی و ارزیابی دقیق علمی و کاربردی مسئولان نظام، دولتمردان و صاحب‌نظران در عرصه‌های تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته و راهکارهای علمی - اجرایی آن تحلیل و ارزیابی گردد تا حسب ضرورت اقدامات مقتضی اتخاذ گردد.

برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت کشور باید با مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی سند چشم‌انداز منسجم و هماهنگ باشد.